

تأثیر لشکرکشی نادر به هند در اضمحلال و فروپاشی حاکمیت او

علی سالاری شادی^۱

چکیده

پس از شورای مغان، دیدگان نگران جامعه چشم به اقدام بعدی نادر دوخته بود که شاید پس از این همه تنش و نبرد، اکنون با تکیه بر اریکه سلطنت به تحکیم حاکمیت داخلی و ایجاد امنیت سیاسی، اقتصادی و... بپردازد و به خود و جامعه، مجال دهد تا خود را بازبندد. گذشته از آن، نادر با دهها مشکل داخلی و منطقه‌ای دشوار مواجه بود که ضرورت داشت تا به آن‌ها بپردازد، اما او ناپاورانه بدون توجه به ضرورت‌ها بار سفری سخت به هند تدارک دید که با توجه به ساختار حکومت جوان افشاری، این لشکرکشی ظاهری سهل و باطنی پرمخاطره و سخت چالش‌برانگیز یافت و ارکان حاکمیت او را دچار آسیب جدی نمود. مسئله اساسی تحقیق حاضر، بررسی نقش، تأثیر و تبعات حمله نادر به هند در روند حاکمیت وی است که چگونه و چرا، آن حمله جنبه‌های متعددی از حاکمیت وی را تحت تأثیر قرار داد و در انحطاط و اضمحلال آن مؤثر افتاد. حال با توجه به این مسئله، سؤال اصلی آن است چرا حمله نادر به هند باعث تسریع فروپاشی حاکمیت وی شد؟ روش تحقیق در این نوشته متکی به منابع اصلی با رویکردی توصیفی و تبیینی است. دورنمای نتیجه نوشته حاکی از آن است که حمله نادر به هند تبعات فراوانی برای در پی آورد و در اضمحلال و سقوط حاکمیت او تأثیر خاصی نهاد و مناسبات او با خانواده، فرماندهان، سپاهیان و رعایا را بسیار خصمانه نمود.

کلیدواژه‌ها: نادرشاه، جنگ کرنال، هند، اضمحلال، مالیات، شورش.

The Impact of Nader Military Expeditions to India on the Collapse of his Sovereignty

Ali Salari Shadi¹

Abstract

After the Moghan Council, the concerned eyes of the society were looking forward to the next action, which perhaps after all these tensions and battles, now relying on the monarchy to strengthen internal sovereignty and create political, and economic security and give itself and society a chance to find themselves. Nader also faced dozens of difficult internal and regional problems that he had to deal with, but he unbelievably prepared a difficult trip to India, which, given the structure of the young Afshari government, made the military campaign against India seem simple and esoteric. He found it risky and challenging, and seriously damaged the foundations of his rule. The main issue of the present study is to examine the role, impact and consequences of Nader's invasion of India during his rule. It also investigates how and why that attack affected many aspects of his rule and affected its decline and dissolution. Why Nader's invasion of India hastened the collapse of his rule? This study uses library resources and implements a descriptive and explanatory approach. The results reveals that Nader's invasion of India had far-reaching consequences for him, and that his demise and fall had a profound effect on his relations with his family, commanders, troops, and peasant.

Keywords: Nader Shah, Cornell War, India, Extinction, Tax, Rebellion.

1. Associate Professor, Institute of Humanities and Cultural Studies alisalarishadi@yahoo.com

مقدمه و طرح مسئله

حمله نادر به هند تبعات و تأثیرات زیادی بر روند حاکمیت وی گذاشت. این نوشته بررسی تبعات منطقی اما چالشی و تزلزل آور یک رخداد تاریخی است که به مرور خود را نشان داد. بی شک منظور از این بررسی شرح دستاوردهای غنیمتی حمله نادر به هند نیست که در منابع تاریخ افشاری فهرست مفصلی از آن نقل شده است؛ اما در نوشته پیش رو، مسئله این است که حمله نادر به هند، صرف نظر از ضرورت و یا غیر آن، چه تأثیر و نتایج چالش برانگیزی برای حاکمیت افشاری مجامعه تابع به وجود آورد. قراین پیش رو، نشان می دهد که حمله نادر به هند حاکمیت و قدرت وی را با چالش های فراوانی مواجه ساخت که قبل از آن، با آن مواجه نبود و یا شدت کمتری داشت. نویسنده معتقد است که حمله نادر به هند طرح بلندپروازانه و چالش برانگیز بود که حکومت نوپای افشاری را با مشکل مواجه ساخت. حال هرچند این بحث ربطی به دلایل و عوامل حمله نادر به هند ندارد، اما علل توجیهی که برای حمله نادر به هند برشمرده اند، با منطق تحقیق علمی سازگار نیست؛ اما این که با نگاه مثبت به توجیه و توضیح دستاوردهای مثبت حمله نادر به هند پرداخته شود، چیزی جز همان دستاوردهای زودگذر غنیمتی نخواهد بود. غارت و بار کردن ثروت هندیان به سان سایر غارت های مقطعی جهانگشایان چندان مثمر ثمر نبود. نادر بی شک درصدد بود تا پا جای پای تیمور گذارد اما در نهایت قدرت وی در سطح تیمور نبود. حمله تیمور به هند یک امر معمولی مثل تصرف شام و آناتولی بود و برای تیمور نه بار گرانی بود و نه فشاری بر ارکان حاکمیت او وارد ساخت. درحالی که حمله نادر به هند بسیار گران تمام شد. لشکرکشی نادر به هند تا حدی به دور از اهداف بلندمدت و فاقد استراتژیکی خاص و ضروری و یا حداکثر نوعی جهانگشایی سنتی با رویکردی غارتگرانه بود.

همچنین شایسته یادآوری است با وجود آن که برخی به توصیف و تبیین شیوه لشکرکشی نادر پرداخته اند (Axworthy, 2007: 635-645) و عده ای تأثیر و تبعات حمله نادر بر فضای سیاسی هند را مطمح نظر قرار داده اند (Tucker, 1998: 208-206)، اما برای اول بار است که تأثیرات حمله به هند در روند حاکمیت نادر و جهت دهی و حتی فروپاشی آن، این گونه مورد بررسی قرار می گیرد، لذا از این منظر، پیشینه تحقیق خاصی که تبعات و

دستاورهای مختلف حمله نادر به هند را در راستای کیفیت روند حاکمیت وی و چالش‌های ناشی از آن را بررسی کند، وجود ندارد. هرچند که تحقیقات درباره نادر و حمله او به هند بسیار است، اما با چنین رویکردی که تبعات مستقیم و غیرمستقیم حمله به هند را بر ارکان حاکمیت و قدرت نادر بررسی کرده باشد، در اختیار نیست.

تبعات و تأثیرات حمله نادر به هند در روند حاکمیت او

پس از تشکیل شورای مغان و قبل از لشکرکشی به هند، ظاهراً اوج خوشبختی و ترقی نادر بود و حداقل این که پاره‌ای از مشکلات مخصوصاً انتقال قدرت سیاسی را به آرامی و اخذ تعهد و میثاق از سران مملکت حل کرده بود. چنانچه نادر در این ایام با درایت به همان اکتفا می‌کرد و حداقل به سان کریم‌خان زند، یک دوره آرامش، امنیت سیاسی، نظامی و قضایی که برای جامعه بسیار ضرورت داشت، ایجاد می‌کرد، شاید می‌توانست با نهادینه کردن قدرت خود، پایه‌های حاکمیتش را استحکام بیشتری ببخشد که به نفع او و جامعه تحت امرش باشد. نادر که مشکلات متعدد سیاسی، نظامی و اقتصادی فراوانی داشت، در موقعیتی نبود که یک لشکرکشی طولانی را انجام دهد. اولین نکته مهم این که حاکمیت جوان نادری فاقد تشکیلات اداری و مدیریتی مناسب و درخور بود و در همان حال درصدد انجام عملیات نظامی فرامنطقه‌ای افتاد. همچنین، او با مشکلاتی حاد مواجه بود، از جمله: مسئله لزگیان تا جایی که آن‌ها درصدد تصرف شروان بودند (حزین لاهیجی، ۱۳۷۷: ۲۳۵؛ فسایی ۱۳۸۲: ۵۵۶/۱)، مناسبات پیچیده و حاد با عثمانی، مسئله بختیاری‌ها، و بلوچ‌ها، تصرف قندهار که به تعبیر محمدشفیع طهرانی «وارد» که حدود یک سال و نیم برای تصرف آن وقت صرف شد که بسیار زیاد بود (وارد، ۱۳۹۶: ۵۳). حال با این همه موضوعات و ناملایمات چه لزومی به لشکرکشی به هند بود؟! نادر مسائل متعددی داشت اما بی‌شک هند مسئله اول نادر نبود و حمله عجولانه و بی‌برنامه او به هند ضرورتی نداشت؛ اما او هند را تبدیل به یک مسئله بزرگ کرد. اگر او و مشاورانش اندکی خویشتن‌داری و درایت داشتند به آن لشکرکشی تن نمی‌دادند. در آن صورت، به احتمال قریب به یقین معضلات نادر بسیار کمتر و اقدامات داخلی روند بهتری را طی می‌کرد. با توجه به این مهم، می‌توان حکومت نادر را به دو دوره قبل و بعد از حمله به هند تقسیم کرد. بی‌شک بخش دوم حاکمیت نادر تحت‌الشعاع

و فشار آن حمله چالش برانگیز قرار گرفت. امواج و تبعات لشکرکشی نادر به هند، در سراسر نیمه دوم حاکمیت او به شکل ملموس و یا سایه‌وار در همه‌جا وجود داشت و گویی در اغلب حوادث بعدی پای هند در میان است. لذا حمله نادر به هند تبعات زیادی برای شخص نادر و مناسبات او با خانواده، جامعه، سپاهیان و ارکان حاکمیتش ایجاد کرد که در ذیل مورد بررسی قرار می‌گیرد، هرچند به خاطر ماهیت درهم‌تنیدگی موضوعات ناگزیر گاهی تداخلی چند صورت می‌گیرد. از جمله موارد:

۱. حمله به هند: شرایط نامناسب و با بهانه‌هایی واهی

در وهله اول پس از شورای مغان، حضور نادر در ایران و قلمروش به خاطر شرایط جامعه حاکمیت نوپای افشاری بسیار ضروری بود و این یک خبط بزرگ بود که در آن اوضاع وی خود را به یک نبرد فرا منطقه‌ای بکشاند و به‌جای ایجاد آرامش، تنش‌آفرینی نماید. نادر که علی‌الظاهر با ندای اکثریت خاموش شورای مغان در قدرت ماند، باید ضمن پاسداشت آن، با وقار و طمأنینه قدم برمی‌داشت و به خود مجامعه فرصتی می‌داد تا خود را بازیابند و چالش‌های موجود را برطرف کنند. این بهتر از حمله عجولانه به هند بود که در آن شرایط هیچ توجیهی نداشت. هرچند نادر علی‌رغم حافظه خوب، اغلب عجول، بی‌برنامه، رؤیاپرداز و در تحلیل مسائل ناتوان بود (سالاری شادی، ۱۳۸۳: ۷۴). این‌که از گذشته تا حال به توجیهاتی چند از جمله تأمین امنیت سرحدات و رساندن قلمرو به مرزهای طبیعی و یا تعلق و خودداری حاکم گورکانی در جلوگیری از فرار مخالفان نادر و یا بی‌پاسخ گذاشتن پیک‌ها و سفارت‌های متعدد او دست زده‌اند که اغلب بهانه‌های واهی بیش نیست. اگر واقعاً این‌گونه توجیهات درست باشد، حمله به استانبول ضروری‌تر از حمله به هند بود. از طرفی اصولاً محمد گورکانی قادر به جلوگیری از تردد قبایل و سایرین نبود (اکنون در قرن بیست‌ویکم و با وجود این‌همه تجهیزات مدرن هوای، زمینی و... و با وجود دخالت قدرت‌های بزرگ، مرز میان افغانستان و پاکستان قابل کنترل نیست تا چه رسد به آن ایام که مرزی وجود نداشت). معاصرین وقایع از جمله حزین نیز آن تکلیف را بیرون از حوصله و ضبط محمدشاه دانسته است (حزین لاهیجی، ۱۳۷۷: ۲۳۳). حال معلوم نیست که چگونه محققانی انفعال مغولان هند در برابر پناهندگان و عدم تحویل آنان به نادر را علت اصلی لشکرکشی به هند جدی

دانسته‌اند (Axworthy, 2006: 176) که چندان درست نیست. هرچند هدف نادر به‌صراحت اعترافش، مطامع مادی و غنائم و سوسه‌برانگیز و سهل‌الوصول هند بود (آرونوا، م. اشرافیان، ز، ۱۳۵۶: ۲۹۹؛ هنوی، همان: ۱۷۷). شواهد مبتنی بر قراین و تحقیقات مستقل نشان از آن دارد که برای نادر امنیت به‌خصوص در مناطق ادعایی و مرزی و حتی در قلمرو اصلی‌اش معنایی نداشت.

حملات او به سند و موصل از غرب تا شرق حاصلی جز ناامنی و بی‌حرمتی، کشتار، چپاول و ستم نداشت که بر اساس گزارش‌های مستقل تا آن ایام بی‌نظیر بود، او به جبار و آفت آسمانی ملقب گردید (نک: ریاض الاسلام، ۱۳۸۷: ۴۳-۴۴؛ حبش بن جمعه، ۱۳۸۱: ۸۸، ۹۰، ۹۱، ۹۲ و...). محمدشفیع طهرانی (وارد) او را از این منظر با چنگیز مقایسه کرده است (وارد، همان: ۱۹۵). همان ایامی که نادر به هند لشکرکشی کرد به گزارش شاهدان عینی، مردم در ایران به چنان بدبختی گرفتار شده بودند که به کوه‌های پناه بردند و زمین‌ها نا کاشته و قحط و غلاء بود (اوتر، ۱۳۶۳: ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۷۸). از طرفی حمله نادر به هند، جامعه نابسامان و پرچالش قلمروش را نابسامان‌تر کرد، چراکه فرصت و مجال متوقعانه مردم از او پس از شورای مغان از دست رفت و اوضاع بدتر گردید و غیبتش فرصتی به مخالفان داد تا نادر را به چالش بیشتری بکشانند. او در جلب حمایت جامعه غفلت نمود و تلاش خود را معطوف به جهانگیری کرد (لکه‌هارت، ۱۳۸۱: ۳۸۲). حمله به شبه‌قاره به‌منزله یک هدیه برای دشمنانش بود. اگر حمله نادر به هند و آن غیبت طولانی رخ نمی‌داد، تعدادی از قیام‌ها به وقوع نمی‌پیوست و یا این‌که گسترش نمی‌یافت. مورخان و نویسندگان خاطرنشان کرده‌اند که بعضی از ایالات جنوب از جمله اعراب، غیبت نادر را مغتنم شمردند و سر از اطاعت او باز زدند (استرآبادی، ۱۳۶۶: ۵۷۹؛ هنوی، همان: ۲۲۲-۲۲۳). شاید اگر این زمینه‌ها وجود نداشت بعدها قیام‌هایی چون محمدتقی خان شیرازی و اعراب خلیج فارس به وقوع نمی‌پیوست و یا مسئله لزگیان این‌چنین به درازا نمی‌کشید و به یک زخم کهنه تبدیل نمی‌گردید. به تعبیر سایکس، اگر نادر اندکی استعداد و لیاقت اداری داشت، می‌توانست با بکار انداختن این شرایط ایجادشده به موفقیت‌هایی نائل گردد (سایکس، ۱۳۷۰: ۳۸۳)؛ اما بی‌شک حمله به هند فرصت سوزی بود که در بدترین شرایط و بدون ضرورتی صورت گرفت و وضعیت قلمرو نادر را دچار وخامت کرد.

۲. مقدمه حمله به هند: تدارک و هزینه‌ای گزاف

مقدمه حمله نادر به هند با تدارک سخت و حمله به قندهار صورت گرفت. بر اساس نظر استرآبادی، نادر برای این لشکرکشی تا رسیدن به قندهار و هند هزینه بسیار زیادی صرف کرد، مخصوصاً صرف وقت زیاد و معطلی فراوان در پشت حصارهای قندهار (وارد، همان: ۵۳؛ استرآبادی، ۱۳۷۶: ۳۰۳؛ استرآبادی، ۱۳۶۶: ۳۸۹-۳۹۰، ۳۷۹) از ایرادات اساسی کار نادر در آستانه حمله به هند بود. نادر در سفر به قندهار چنان تدارکات سختی بکار بست که برای همیشه «سفر قندهار» ضرب‌المثل شد. ظاهراً در مسیر سفر چنان بی‌مبالاتی و غارت و چپاولی صورت گرفت که تا مدت‌ها مسیر قشون او به قحطی و سختی دچار گردید. نادر با عجله و شتاب تدارکات نظامی و مادی فراوانی تهیه دید (نک: هنوی، همان: ۱۶۸-۱۶۹). بر اساس گزارش هلندیان، در مسیر لشکرکشی شهر کرمان در معرض تاراج و چپاول قرار گرفت و به شکل بی‌سابقه‌ای ویران شد (فلور، ۱۳۸۶: ۱۱۳) و کسانی که هیچ بضاعتی نداشتند به بیگاری رفتند (همان: ۷۸). این در حالی است که استرآبادی به سرعت از حرکت نادر در کرمان گذشته است (استرآبادی، ۱۳۷۶: ۲۸۴). این هزینه‌های گزاف تدارکاتی و صرف اموال با لشکرکشی به هند و تحت هیاهوی آن تا حدی فراموش و دست‌کم انگاشته شد، درحالی‌که مناطق مسیر راه را به بلیه و قحطی گرفتار ساخت و تداوم یافت. نادر ایران را چپاول کرد تا هند را فتح کند، هند را غارت نمود تا ایران را آباد کند؛ اما در واقع حداقل از نظر اقتصادی و مادی هر دو را ویران کرد.

۳. حمله به هند: استخدام عجولانه سپاهیان و ایجاد چندگانگی

نادر با تعداد زیادی سپاهی راهی هند شد. تعداد زیادی از این سربازان به تازگی به اردوی نادر پیوسته بودند. این که شمار این سپاهیان چه تعداد بوده است آمار دقیقی درد است نیست، اما به گفته هنوی او در آستانه ورود به صفحات هند ۱۱۰ هزار و در حین دخول به هند ۱۶۰ هزار سپاهی وی را همراه می‌کردند (همان، ص ۲۰۲). صرف‌نظر از اعتبار این آمار و ارقام، حمله نادر به هند باعث شد تا سپاهیان ناهمگون نادر نامتجانس‌تر گردند. نادر در مسیر سپاهیان بیشتری را استخدام کرد که با توجه به سرعت حوادث بعدی تا حد زیادی در جذب و نهادینه کردن این نیروهای جدیدالورود و تنظیم مناسبات آن‌ها ناکام ماند. این

نه تنها موجب تنش بیشتر با سپاهیان قدیمی شد بلکه نادر در ایجاد تعادل و توازن در میان آن‌ها ناموفق کرد. او در حین بازگشت از هند در کابل و آن حوالی حدود ۴۰ هزار نیروی سپاهی استخدام کرد و آن‌ها را پیشاپیش به هرات فرستاد تا منتظر او باشند (استرآبادی، ۴۹۵: ۱۳۶۶-۴۹۶؛ مروی: ۷۶۵/۲). او در ماوراءالنهر نیز همین سیاست را ادامه داد و به تعبیر استرآبادی بیست هزار و به گفته مروی چهل هزار از ترکمانان و ازبکان بخاری، سمرقند، کش و کاشغر را به سپاهیان خود ملحق ساخت (استرآبادی: ۱۳۶۶: ۵۱۲-۵۱۳؛ مروی: ۸۰۱/۲). با یک حساب مقدماتی، حدود ۶۰ هزار نیروی جدیدالورود به سپاه نادر اضافه گردید. طعم و لذت حمله نادر به هند موجب استخدام این همه سپاهی جدید شد که در ادامه، پرداخت هزینه‌های گزاف آن از چالش‌های جدی و جدید حاکمیت نادر گردید. از طرفی نادر با استخدام و به‌کارگیری آن‌ها که اغلب از قبایل ایران شرقی (افغانه) بودند، ناخودآگاه آن‌ها را به یک وزنه نظامی - سیاسی هم تبدیل کرد و تنش‌های زیادی با نیروی قدیمی نادر را موجب شد که مورخانی از جمله گلستانه به آن توجه کرده‌اند (گلستانه، ۱۳۵۶: ۱۱ به بعد). مثلاً یکی از این افراد آزاد خان بود که در همین حمله به هند به استخدام نادر درآمد که خود و نیروهای تحت امرش یکی از مدعیان پس از نادر شدند.

۴. حمله به هند: غیبت طولانی نادر، شایعه قتل و افزایش شورش‌ها

یکی از بزرگ‌ترین مشکلات نادر در حمله به هند، غیبت طولانی او بود که تقریباً غیرقابل‌توجیه است. بر اساس گزارش مروی وی چندان توجهی هم به عقبه قلمرو اصلی خود نداشت و تا حد زیادی از آن غافل ماند (مروی، همان: ۷۶۶/۲). لشکرکشی به هند چنان ذهن و توان نادر را به خود معطوف داشت تا عقبه وسیع قلمروش را نادیده انگاشت و با غفلت و یا کوچک‌انگاری التفتاتی به آن ننمود. این فاصله زمانی چنان بود که عده‌ای تصور کردند نادر به قتل رسیده است (همان). بازار شایعه داغ بود و ناخرسندان از نادر آن را دامن می‌زدند. نادری که نه پایتخت داشت و نه دیوان‌سالاری متمرکز که بتواند در غیاب وی امور را سامان دهد، این غیبت طولانی و حتی شایعه قتل و مرگ وی در هند مزید بر علت شد. شواهد نشان می‌دهد اوضاع به‌شدت بحرانی شد. همین غیبت طولانی موجبات ناآرامی‌هایی در جنوب ایران و همچنین شورش اعراب خلیج فارس شد. او در جلال‌آباد و سند خبر شورش

بلوچ‌ها و اعراب جنوب، اعراب مسقط و بحرین را دریافت کرد (مروی: ۶۸۱/۲ به بعد؛ استرآبادی، ۱۳۶۶: ۵۷۹). در ایام حضور نادر در هند، اعراب هوله و بنی‌عتبه در خلیج فارس شورش کردند (اوتر: ۲۲۱ به بعد) که به سان شورش لزگیان به یک درد مزمن تبدیل گشت که حتی با وجود بازگشت نادر از هند دیگر قابل‌مه‌ار نبود (اوتر: ۲۳۳-۲۴۳، ۲۳۴، ۲۳۸). در همین غیبت و بی‌اطلاعی بود که در اصفهان خبر شکست قشون و حتی قتل نادر شایع گشت که باعث کوشش‌هایی از سوی رضاقلی میرزا گردید. اولین پیامد این شایعه نیز قتل عجولانه و فجیع شاه طهماسب دوم و فرزندش شد (نک: هنوی: ۲۵۴-۲۵۳). اوتر نیز از مردم و حاکمان محلی گزارش کرده است که آن‌ها از نادر و ارتش او بی‌اطلاع‌اند و حتی شایعه شکست او در هند بسیار مطرح بود (اوتر: ۱۷۹-۱۸۰). همان‌گونه که گذشت نادر دشمنان زیادی داشت و لشکرکشی به هند برای آن‌ها تبدیل به فرصتی پراهمیت شد. از طرفی نادر، کنترل مدیریتی خود را در عقبه قلمرو خود از دست داده بود. این غفلت و بی‌مبالاتی در چنان سطحی بود که حتی رضاقلی میرزا نایب‌السلطنه «مدت ده ماه تمام از حضرت گیتی‌ستان خبری نداشت» (مروی: ۷۶۶/۲). درست بود که رضاقلی میرزا نایب‌السلطنه بود اما او به‌هیچ‌وجه قادر نبود تا جای نادر را پر نماید.

۵. حمله به هند: ایجاد اختلال و سوءظن در مناسبات خانوادگی

حمله به هند نه‌تنها باعث اختلال عمده در کار نادر در قلمرو اصلی شد بلکه ضربه بزرگی را متوجه خانواده او کرد که دیگر هرگز جبران نگردید. در وهله اول و در غیبت او، برادرش ابراهیم خان در مصاف با لزگیان به قتل رسید. حاکمی که هنوز مشکلات قلمرو و یا مرزهای کناری خود را حل نکرده است، چگونه باید دست به چنین سفر دورودراز نظامی بزند؟ خانواده نادر اولین قربانی حمله به هند بودند. این پایدارترین و جدی‌ترین چالش حاکمیتی نادر، و حتی یکی از علل اصلی سقوط حاکمیت افشاری است. باید یاد آوری کرد که در یک حکومت استبدادی و مطلقه، خانواده نقش کلیدی دارد. نکته مهم مسئله فرزندش رضاقلی میرزا بود که بعدها همان خود معضلی اساسی شد. در سفر و حمله نادر به هند، او را نایب‌السلطنه کرد. رضاقلی میرزا خالی از سیاست، درایت و شجاعت نبود. غیبت طولانی نادر، بی‌اطلاعی طرفین از یکدیگر و پخش شایعه قتل و مرگ نادر، رضاقلی میرزا را به

تکاپو واداشت تا به اقداماتی دست زند. همان اقدامات باعث کدورت و سوءظن میان طرفین شد. رضاقلی میرزا در غیبت طولانی نادر، اقدامات تدارکاتی وزمینه‌ای را انجام داد که حساسیت نادررا برانگیخت. اقدام رضاقلی میرزا در آماده سازی تدارکاتی در فقدان و یا مرگ نادر قابل توجه واز نظر سیاسی درست بود؛ اما نادر فردی سیاسی نبود و درک درستی از آن نداشت. او اقدام منطقی و سیاست مدارانه پسر را با دیده مثبت ارزیابی نکرد بلکه با دیده منفی، تردیدآمیز و در حد عصیان تلقی نمود. لذا نادر پس از بازگشت از هند ناخرسندی زیادی از فرزند در ذهن داشت، رضاقلی میرزا نیز تمایلی به استقبال از نادر در بازگشت از هند نشان نداد و با بهانه‌هایی از آن طفره رفت (لکه‌هارت: ۳۵۲) از هر طرف زمینه‌های تنش مهیا گردید. عده‌ای گفته‌اند که به‌خاطر توطئه رضاقلی میرزا، نادر وی را خلع کرد (اوتر: ۲۲۲). هرچند چنین امری بعید است؛ اما همان‌گونه که مروی خاطر نشان کرد، نادر از قلمرو اصلی خود بی‌خبر و رضاقلی میرزا و دیگران نیز از او بی‌اطلاع بودند (مروی: ۷۶۶/۲). این فرایند منجر به اقدامات احتیاطی رضاقلی میرزا و واکنش تردیدآمیز نادر شد و این بزرگ‌ترین ضربه را به حاکمیت و همچنین روح و روان نادر وارد کرد. گویی بازگشت از هند مصادف با دل‌مشغولی‌های عدیده‌ای شد که نادر قبل از حرکت به‌سوی هند، با آن دست‌به‌گریبان نبود. اختلاف و تنش عمیق خانوادگی به سرعتی باورنکردنی به مرحله خطرناکی رسید که درنهایت با عدم خویشتن‌داری و عجله نادر، منجر به ناپیئایی رضاقلی میرزا و آغاز بدبختی بزرگ نادر گشت. معضلی که دیگر قابل‌حل‌وجبران نبود. اینجاست که مورخان عصر نادری از اختلال مشاعر او به‌خاطر کور کردن فرزندش نوشته‌اند (استرآبادی، ۱۳۷۶: ۴۲۱ به بعد). این واقعه تا حد زیادی باعث سلب اعتماد اطرافیان از نادر شد. حال چنانچه دقت شود این فرایند در نتیجه حمله ناسنجیده به هند ایجاد گردید. این‌که هنوی مکرر از ظلم و تعدی رضاقلی میرزا یاد کرده است، نباید چندان درست باشد چراکه هنوی یک تاجر و از اقدامات انحصاری تاجرانه رضاقلی میرزا ناخرسند بود، لذا سعی دارد تا حدی او را ظالم و بی‌کفایت جلوه دهد (هنوی: ۱۸۳-۲۲۲-۱۸۴، ۲۵۳-۲۲۱، ۲۵۶-۲۵۴، ۲۵۷ و...); اما در مناسبات پرتنش رضاقلی میرزا و نادر تا حد زیادی نادر به‌خصوص به‌خاطر غیبت طولانی عدم اطلاع‌رسانی مقصر بود.

۶. حمله به هند: بازگشتی مغرورانه و تداوم فتوحات بی حاصل در مناطق دیگر

بازگشت نادر از هند، وی را ناآرام و بی‌احتیاط‌تر کرد. پیشرفت سریع در سرزمین بکر، پرمحصول و زرخیز هند، او را مغرورتر و شتاب‌زده‌تر نمود. نادر هنوز از هند خارج نشده بود که خود را برای نبرد با ازبکان و به تعبیری ممالک توران آماده ساخت (اوتر: ۲۳۰؛ استرآبادی، ۱۳۷۶: ۳۴۵-۳۴۶). حال صرف‌نظر از آن‌که محققانی معتقدند که حمله به هند نتوانست بر امنیت و مشروعیت حکومت نادر در سرزمین‌های تحت سلطه‌اش بیفزاید (Tucker, 2003: 62)، او بلافاصله با ایجاد درگیری در مناطق آسیای مرکزی و خوارزم معضلات خود را زیادتر کرد. به نظر می‌رسد نادر تصرف آن مناطق را در تداوم تسخیر هند ضروری می‌پنداشت. او هیچ درنگ نکرد و فرصتی را برای ارزیابی به خود نداد. استرآبادی می‌نویسد بعد از انجام کار هند، همت بر تسخیر ممالک توران گذاشت و به ممالک محروسه دستور داد تا تدارکات لازم برای آن نبرد در هرات فراهم گردد (استرآبادی، ۱۳۷۶: ۳۴۵-۳۴۶). او هنوز گردوغبار ناشی از حمله به هند را از پیکر خود و سپاهانش نزدوده بود و همچنین با توجه به غنایم فراهم‌آمده از هند و بدون پرداخت هزینه از آن، دستور تدارکات لازمی دیگری را صادر نمود که باید سخت تعجب‌آور باشد. او تا حدی شاید جهانگیر بود و یا ادعای آن را داشت، اما بی‌شک استعداد جهان‌داری نداشت. نادر بعد از حمله به هند با مشکلات متعدد دست به گریبان شد و با افزایش مشکلات اشتباهات او نیز بیشتر می‌گردید؛ اما نبردهای او در آسیای مرکزی با ازبکان و خوارزمیان برخلاف هند، چندان غنایمی به همراه نداشت و در ادامه با خروج نادر از آن مناطق و ورود به داغستان در شمال غرب ایران، اوضاع به‌ویژه در خوارزم به همان سرعتی که فتح شد، به روال سابق بازگشت که نشان از ناکامی نادر داشت. از طرفی همین اوضاع آشفته و عدم پایداری متصرفات جدید، بی‌شک دیگران را تحریک می‌کرد تا دست به شورش‌های بیشتری زنند.

۷. حمله به هند: کاهش انضباط، فرار، تمرد در میان سپاهیان (تنش بر سر غنایم)

موضوع مهم دیگر متلاشی شدن و یا حداقل کاهش انضباط سپاهیان نادر در پی بازگشت از هند بود. هرچند باید خاطر‌نشان کرد سپاهیان نادر او را دوست نداشتند بلکه از او می‌ترسیدند (هنوی، همان: ۱۷۸). آن‌ها در حرص و طمع دست‌کمی از نادر نداشتند (وارد:

۱۹۵-۱۹۶، ۲۰۱؛ ریاض الاسلام، ۴۳:۱۳۸۷). اختلافات و کدورت‌ها میان نادر و سپاهیان در همان هند کم‌وبیش به وجود آمد. کشمیری که ناظر وقایع هند بود و در معیت نادر به ایران آمد و سپس برای زیارت به حج رفت، در موضعی چند با تفصیل از اختلاف نادر و سپاهیان یاد کرده است. از جمله پس از واقعه دهلی (کشتار دهلی) می‌نویسد: «بعد از فراغ از ضبط نمودن کنوز و کارخانجات پادشاهی و امرای دیگر که در محاربه به قتل آمده بودند و تحصیل زر و مصادره شهر و امرای دیگر، و بازخواست سپاه و لشکریان خود که اموال بی‌غایت به یغما برده بودند، به مستوفی‌الممالک حکم کرد که چون موجب شش مایه از مردم عسگر طلب است، می‌باید که این شش مایه سابق را مع شش مایه پیشگی و شش‌مایه انعام تن‌خواه نمایند که در جمله بژده (هجده) مایه باشد» (عبدالکریم کشمیری، ۱۹۵۰: ۳۱). بدین‌سان اولین اختلاف عمده نادر و سپاهیان به‌خاطر آن که او معتقد بود که سپاهیان در چپاول برای خود اندوخته‌اند، با زیرکی یک حسابرس، حساب نمود. این موضوع سری دراز یافت، چراکه عده‌ای از سپاهیان قصد ماندن در هند را داشتند و نادر طی حکمی «به فولاد خان کوتوال دارالخلافه شاه‌جهان‌آباد تقید بلیغ نمود که اگر احدی از مردم لشکر ما خواسته باشد که در جهان‌آباد بماند، گوش و بینی او را بریده، روانه اردو نمایند. بر (هر) چند حاجی فولاد خان کوتوال تقید بسیاری نموده، با وصف آن نظر بر تعب و تصدیعات شب و روز پنهان شده، جمعی کثیر ماندند» (همان: ۳۴). ظاهراً سرزمین هند و شهر دهلی چشم و دل سپاهیان نادر را را ربوده بود و عده‌ای حاضر به بازگشت نبودند که بر اساس گزارش کشمیری در آن دیار ماندند.

در ادامه در کرانه رود سند مشکل عمده دیگر نادر با سپاهیان رخ نمود، آنجا که نادر حریصانه و با آزمندی و با توجیه این که سگ سیر به شکار نمی‌رود و یا به بهانه مفقودی جواهرات نفیس یا سنگینی غنائم، فرمان داد تا در معابر سند، سربازان و سپاهیان تفتیش و بازرسی شوند تا غنایمی از جمله زر و جواهرات و ... را که با خود داشتند، از آن‌ها بازستانند که اقلام و مبالغ هنگفتی هم به دست آمد (استرآبادی، ۱۳۶۶: ۴۹۴-۴۹۵؛ مروی: ۷۵۴/۲؛ عبدالکریم کشمیری: ۳۶-۳۷؛ وارد: ۲۵۰؛ هنوی: ۲۴۵-۲۴۶؛ اوتر: ۲۰۸). بعضی از سپاهیان غنائم اندوخته و پنهان را تحویل دادند درحالی که عده بیشتری از سپاهیان نیز تلافی نمودند و آن غنائم را به رودخانه ریختند و یا در خاک دفن کردند (عبدالکریم کشمیری: ۳۷)؛ اما



علی‌رغم آن بازرسی‌های سخت، تعدادی از سپاهیان کم‌وبیش غنائمی را با خود آوردند چراکه بعضی آن را در جهاز اسب و شتر پنهان کردند (همان: ۳۷). این غنائم و جواهرات و... را سپاهیان نادر، در حین قتل‌عام دهلی به‌خصوص در بازار زرگرها و سایر موارد، با خود آورده بودند (وارد: ۲۰۱؛ هنوی: ۲۱۸-۲۱۹؛ اوتر: ۱۶۶ و همچنین نگاه کنید به عبدالکریم کشمیری: ۳۴).

اختلاف دیگر درباره زنان هندی بود که تعدادی از فرماندهان و سپاهیان آن‌ها را علی‌رغم میل و به‌اجبار با خود آورده بودند که با مخالفت نادر مواجه گشت و دستور بازگشت آن‌ها را صادر کرد (هنوی: ۲۳۸-۲۳۹). حال علی‌رغم آن‌همه سخت‌گیری، بی‌شک سپاهیان نادری از آن‌همه غنائم (مخصوصاً که زدوبندی میان بازرسان و سپاهیان قطعاً وجود داشت) دست خالی نبودند (عبدالکریم کشمیری: ۳۷) که این تمکن مالی می‌توانست موجب فرار آن‌ها را فراهم سازد. از همان ابتدا در مسیر بازگشت از هند، موضوع فرار سپاهیان به‌خاطر غنائم فراوانی که همراه داشتند، مطرح بود که عده‌ای به نادر گوشزد کردند که آن‌ها با غنائم به محض ورود به مقصد و یا در حین حرکت به وطن خود، فرار را بر قرار ترجیح می‌دهند و یا حتی شاید با توجه به ثروت اندوخته، دست به شورش بزنند (مروی: ۷۵۳-۷۵۴). عبدالکریم کشمیری هم بر موضوع فرار سپاهیان در طول مسیر بازگشت، تأکید دارد که «احدی از اعالی و ادانی رغبتاً بملزمت سلطان راضی نبود» (عبدالکریم کشمیری: ۳۷). مزید بر آن، نادر انعام و مواجب زیادی از جمله پاداش یک سال را به آن‌ها داده بود. در نتیجه، حالا دیگر با این تمکن مالی، وقت فرار بود. فرار سپاهیان و سربازان اردوی نادری از همان شبه‌قاره و به‌خصوص از سند شروع شد. به گمانم، فرمان بازرسی موجب شد تا عده‌ای به آن تن دردهند و فرار را بر قرار ترجیح دهند. گویا نادر نیز تا حدی کنترل خود را از دست داه بود چراکه وقتی شتری با بار طلا در رود سند غرق شد، آن را نیافتند، نادر انعام خدمه توپخانه را حواله به بار شتر غرق شده داد (همان: ۳۸).

در هر حال، تعداد فراریان چنان زیاد بود که نادر طی فرمانی به حاکمان سند از جمله ذکریا خان دستور داد که فراریان سپاه او را دستگیر و تحویل نمایند (ریاض الاسلام: ۴۲) در واقع به‌سان دستوری که قبلاً در دهلی به فولاد خان داده بود (عبدالکریم کشمیری: ۳۴). هرچند

در طی بازگشت از هند، تعداد فراریان به‌مرور زیادتر شد و مشکل این بود کسی جرئت گزارش آن را به نادر نداشت (آوری: ۷۲-۷۳). پس از معاودت از هند، سربازان و سپاهیان بهتر از هرکس می‌دانستند که دیگر فرصتی چون هند به دست نخواهد آمد. از این به بعد باید در بیابان‌های آسیای مرکزی، یا با پاشایان عثمانی و یا کوه‌نشینان لرگی داغستان که تقریباً غنیمتی به کسی نمی‌دادند و یا نداشتند، دست‌وپنجه نرم کنند. کالوشکین، سفیر روس ضمن مقایسه اوضاع و احوال فلاکت‌بار نادر در این مناطق با هند می‌نویسد: «در هندوستان، اعلیحضرت نمی‌خواست برای دیدن این جواهرات گرانبها به خود زحمت بدهد در صورتی که در داغستان تلاش می‌کند که به‌عنوان مالیات، گندم و جو بگیرد و تازه به اندازه کافی به دست نمی‌آورد» (آرونوا، م. اشرفیان: ۲۷۱). هنوی نیز به تفاوت اوضاع انسانی و جغرافیایی هندوستان با داغستان اشاره می‌کند که چگونه او در داغستان ناکام ماند که اگر روس‌ها به او تدارکات و آذوقه نمی‌رساندند، نابود می‌شد (هنوی، همان: ۲۷۲-۲۷۱). چگونه باید توقع داشت که ارتش نادری که با حرص وافر، بازار زرگرها و جواهرفروشان دهلی را غارت کرده بود، حال در داغستان و آسیای مرکزی و یا با پاشایان عثمانی با گرسنگی و فلاکت بجنگد. اوتر نیز به‌صراحت مردم این صفحات را به سبب سوابق جنگی کارکشته می‌داند که به‌سان هندیان بی‌حال نبودند و شگردهایی که نادر در هند به کار می‌بست، در این مناطق قابل‌اجرا نبود (اوتر: ۳۱۰). حال و روز مردم که به علف‌خواری روی آورده بودند، به‌مراتب بدتر بود. بی‌سبب نیست که نادر در این ایام برای نگه‌داری ارتش خود به تب‌وتاب افتاد تا بتواند آن‌ها را حفظ کند. سپاهیان نیز می‌دانستند جامعهٔ تکیده قلمرو نادر به‌قدری دچار نابسامانی است که وی نمی‌تواند دیگر از آن جامعه چیز زیادی بستاند، مگر با قتل، اجحاف، و شکنجه که نادر با نهایت قساوت و شدت انجام می‌داد. پطروشفسکی می‌نویسد جنگ‌های پی‌درپی نادر، مردم فقیر مملکت او را فقیرتر کرد (پطروشفسکی: ۲۷۸). همچنان سپاهیان او نیک می‌دانستند که نادر از غنائم حاصل از هند، دیگر چیزی به آن‌ها نخواهد داد. هرچند نادر تا حد زیادی حقوق آن‌ها را پرداخت کرده بود (آوری: ۵۸)، اما طمع آن‌ها بسیار بیشتر بود. از طرفی دوری سپاهیان از خانواده در این مدت طولانی مزید بر علت شد. حال، سپاهیان در بازگشت از هند انتظار استراحت و حتی آرامش داشتند. مالکوم می‌نویسد بعد از فتح هند، عسکر نادر مایل به آرامش بودند ولیکن نادر خلاف آن را در نظر داشت (مالکوم، بی‌تا: ۳۶۸). نادر این بار هم

به سان دفعات قبل متوجه نبود که باید به خود و سپاهیان استراحتی بدهد. در این اوضاع آشفته و غیرعادی، نادر به جذب نیروهای بیشتر از قبایل شرق ایران و آسیای مرکزی دست زد. در واقع نادر همیشه با تازه کارهای آزمند کار می کرد. این فرایند، در مجموع کلیت سپاهیان او را در معرض آسیب و سوءظن قرار داد و در لایه های مختلف ارتش ناخرسندی و هراس ایجاد کرد که این روند دست به دست هم داد و کار را به مرحله ای رساند که نادر مورد سوءقصد قرار گرفت، حال همین سوءقصد را نادر با چنان حساسیتی پی گرفت که منجر به نابینایی فرزندش شد.

۸. حمله به هند: مسئله غنائم، حرص نادر و افزایش توقع جامعه (عدم درک متقابل)

حمله نادر به هند توقعات همگان را بالا برد؛ هرکس بر اساس محاسبات خود، حسابی برای آن، باز کرده بود. درحالی که وضعیت عکس آن شد و انتظارات بیهوده از آب درآمد. بعضی از این توقع ها و تغییر رفتارها روحی و روانی بود که شاید منبع مشخصی آن را بیان نکرده باشد و آن بیشتر با توجه به جزئیات امر و از جمله وجنات و سکنات نادر، و نحوه واکنش جامعه استنباط می گردد. در وهله اول، حمله نادر به هند توقع خود او را بسیار بالا برد و او را دچار غرور فراوان کرد. در همان فضا انتظار داشت که مردم قدرشناس او باشند و حتی به نوعی خود را وام دار وی بدانند. او تصور می کرد که شاهکار بزرگی انجام داده و حال انتظار داشت جامعه و حتی ممالک اطراف جان نثارانه فدایی او گردند. استرآبادی تلویحاً به این نیاز روحی نادر اشاره دارد؛ او می نویسد اهالی ایران از خرد و بزرگ و ترک و تاجیک همه فدویانه نقد جان در راه او می باختند (استرآبادی، ۱۳۷۶: ۴۲۱). اگر این نوشته صحت داشته باشد که او رؤیای مواصلت با ملکه روس را داشت که تدارک آن از خزانه هند پرداخت گردد (مروی: ۸۵۱/۲-۸۵۲)، صرف نظر از صحت و سقم آن، نشانی از غرور خیال پردازانه اوست؛ اما کدورت با فرزند و سوءقصدی که انتظار آن را نداشت، او را متوجه این نکته کرد که تصورات محبوبیتش واهی بوده است. این خود می توانست حرص و کینه نادر را به نهایت برساند. اما مردم خواب و رؤیای دیگری می دیدند و توقع خاص خود را داشتند. حال که نادر با این همه غنائم بازگشته عنایت و لطفی در حق آن ها نماید. آن همه غنائم در افواه مردم

فقیر به شکل شایعه‌گونه چندین برابر رقم می‌خورد و ذهن سهام‌ساز آن‌ها چه حصه‌ها و سهام‌های خیال‌انگیزی که از آن برنمی‌گرفت و نادر نیز شتاب‌زده در هند با وعده بخشش مالیاتی با عجله این توقع را در آن‌ها ایجاد کرد. این یکی از بزرگ‌ترین اشتباهات نادر بود که شتاب‌زده وعده بخششی داد که از عهده آن برنیامد. هنوی نیز آورده است که رضایت مردم از بازگشت نادر به این امید بود که آن غنائم هنگفت، آنان را از پرداخت مالیات برای حفظ قشون معاف کند، اما به‌زودی معلوم شد این انتظارات تا چه حد بی‌پایه‌و‌اساس بود (هنوی: ۲۵۷). مالکوم دورنمایی از این «روحیه متوقعانه» مردم را به دست داده است. او می‌نویسد: «مردم را گمان این شد که دولتی بی‌نهایت (منظور ثروت حاصل از فتح هند) به چنگ شاه و لشکر افتاده و بعد از این به عیش و عشرت صرف اوقات خواهند کرد» (مالکوم: ۳۶۸) و حتی براساس گزارش هنوی، شادی‌ها کردند (هنوی: ۲۲۲). این برداشت جامعه می‌توانست برای حاکمیت نادر خطرناک باشد که همان نیز شد؛ اما برخلاف عجله نادر در بخشش مالیات و همچنین توقع مردم شاید غنائم حاصله با توجه به صرف آن‌همه هزینه چندان چشمگیر نبود. فرض این‌که نادر آن را ذخیره نمی‌کرد و هزینه می‌نمود، باز نمی‌توانست موجبات ثروت و بی‌نیازی طولانی‌مدت نادر شود؛ اما برخلاف آن تصور گمراه‌کننده، عده‌ای گفته‌اند: کشورگشایی نادر که با غارت کشورهای مسخرشده همراه شد، مردم ایران را ثروتمند و توانگر نساخت (پطروشفسکی: ۲۸۷). دیگران نیز لشکرکشی‌های نادر را موجب فقر و قحطی دانسته‌اند (آوری: ۷۷). در ابتدا تصور می‌شد نادر تا مدتی مالیات مطالبه نخواهد کرد، چراکه از قبل، در حین شور و شوق ناشی از فتح هند وعده معافیت سه‌ساله مالیاتی را داده بود (در باره متن فرامین بخشش مالیاتی نک: آرونو، م. اشرافیان، ۱۳۵۶: ۹۶-۱۰۰). لذا تنش‌ها و نبردهای دورودراز، طاقت‌فرسا و بی‌حاصل همچنان ادامه یافت که بار مالی هنگفتی را متوجه نادر کرد و پس از دو سال، از آن وعده بخشش مالیاتی، نادم گشت. درحالی‌که به تعبیر استرآبادی، نادر ورد زبانش «آلاف الوف شد» بود (استرآبادی، ۱۳۶۶: ۶۴۹-۶۵۳). او نه‌تنها غنائم را درکلات ذخیره کرد، بلکه مالیات‌های گزاف از مردم طلب کرد، به‌طوری‌که عده‌ای مجبور به پناه بردن به کوه و بیابان شدند و تعدادی نیز به ممالک همجوار گریختند (هنوی: ۲۷۶-۲۷۷). حال با توجه به آن توقع شدید روانی نادر در پی معاودت از هند، و عدم پاسخ جامعه به آن، و بی‌توجهی نادر به بخشش مالیاتی و افزایش

شدید مطالبات، اوضاع بحرانی‌تر شد. اکنون، اوضاع و احوال روحی و روانی مردمی که دیدند و شنیدند که از بخشش مالیاتی خبری نیست، باید دیدنی باشد، به خصوص جامعه فقیر خیال‌پرداز. بی سبب نیست که سرعت شورش‌ها و قیام‌های عمدتاً مالیاتی در این مقطع بسیار زیاد شد (محمد هاشم آصف، ۱۳۸۰: ۱۸۲ به بعد؛ لکه‌هارت: ۳۶۸). همین امر باعث شد تا مدعیانی ظهور کنند و انگشت خود را بر مالیات‌های پی‌درپی و غارتگرانه نادر بگذارند (آرونو، م. اشرافیان: ۱۹۲ به بعد). نادر غنائم را ذخیره کرد. از سوی دیگر در کلات و مناطق دیگر به عمارت‌سازی‌های پرهزینه‌ای دست زد که بار گرانی بر دوش مملکت و رعایا می‌گذاشت (همان: ۲۶۹). نتیجه این که نه تنها بخشش مالیاتی در کار نبود، بلکه نادر آن بخشش را با قساوت، یک‌جا طلب کرد و این شورش‌ها را بیشتر دامن زد و نوعی دور و تسلسل در شورش و فشار را (استرآبادی، ۱۳۷۶: ۴۲۱ به بعد). این بار گویا نادر به مرحله دیوانگی رسید یا حتی مبتلا به نوعی بیماری حب مال و ثروت شد و مالیات‌های نجومی تحمیل کرد (همان). اگر حمل بر عراق نباشد، کل حاکمیت نادر و مناسباتش با مردم مالیات‌گیری خلاصه شد. نادر مردم را به شکل یک کالای مالیاتی و بی‌جان می‌دید و پرداخت مالیات به اصلی‌ترین دغدغه مردم تبدیل شد. او تر از روستاییان غرب ایران نقل می‌کند که آن‌ها هرچه داشته‌اند، فروخته‌اند تا مالیات نادری را بپردازند؛ اما با بازگشت از هند که قصد استفاده از غنائم هم نداشت و سپاهیان بیشتر و یا تازه‌کاری استخدام کرده بود نیاز به هزینه بیشتری می‌رفت، لذا مبلغ نجومی هفتصد هزار تومان مالیات را بر رعایا تحمیل کرد (اوتر: ۲۳۵). از این رو در اواخر عمر نادر، درگیری‌ها بیشتر ناشی از فشار مالیات‌های گزاف بود که به شدت افزایش یافت (استرآبادی، همان: ۴۲۱ به بعد). نادر در نبردی بی‌پایان با همگان از خانواده تا سپاهیان، قبایل و مردم، در کوچه‌ای تنگ و بن‌بست گرفتار شد که مجالی برای گریز از آن نبود. این اوضاع، با هیجان معاودت او از هند مخصوصاً با استقبال و برپایی جشن‌های نمایشی در تضاد و تناقض بود. بازگشت از هند معنای خاصی یافت. احوال و رفتار او تغییر کرد. هرکس به ظن و گمان خود رفتار و تغییر شدید خلق و خوی او را توجیه و تحلیل می‌کرد. مورخان افشاری به‌ناچار، آن را ناشی از تغییر مزاج و مالیخولیا دانسته‌اند (مروی: ۱۰۸۳/۳؛ استرآبادی، همان: ۴۲۱). عده‌ای آن را نتیجه گناهان وی در هند دانسته‌اند. دیگرانی آن را منسوب به سحر و جادوی مغان دکن کرده‌اند که ادعا نمودند

کاری خواهند کرد تا نادر بر مردم ایران خشمگین شود و آن مملکت را ویران سازد و در نهایت به دست زبردستان خود به قتل برسد (مروی: ۷۶۳/۲-۷۶۴؛ پتروف، همان: ۲۶). این‌همه، از تبعات خسارت‌بار لشکرکشی به هند بود.

اکنون دیگر والیان ایالتی و سران قبایل و مردم به‌سختی مالیات می‌دادند. شاید قبلاً توجیهی وجود داشت و یا احساس می‌کردند باید به حکومت مالیات پرداخت نمایند، اما حال به‌سختی با حساب‌و‌کتاب‌های خیال‌پردازانه نادر کنار می‌آمدند. اینجا یک عامل روحی و روانی ناشی از امواج منفی آن‌همه خزانه و غنائم حاصل از هند، به‌سان آتشی شعله کشید و سوءظن، تردید و دشمنی‌ها را بیشتر کرد. این موج منفی حتی محققان معاصر را تحت تأثیر قرار داده است و آن‌ها از این جهت که نادر غنائم را ذخیره نمود، او را تخطئه و مورد انتقاد شدید قرار داده‌اند؛ اما به نظرم نفس این انتقاد چندان درست نیست چراکه فرض بر آن‌که نادر غنائم را صرف ارتش و سایر موارد می‌کرد، باز هم فقط یک مسکن موقت بود و آن غنائم نمی‌توانست برای همیشه او را از جامعه بی‌نیاز کند، کما این‌که پس از قتل وی اغلب آن غنائم بدل و بخشش شد، اما جز افزایش گرانی و قحطی نتیجه‌ای در بر نداشت. اتفاقاً اشتباه نادر و حاکمیت او در وهله اول آن بود که برای همین غنائم و چپاول راهی هند شد. اگر آن‌ها با درایت و هوشیاری به‌جای حمله به هند و لشکرکشی‌های دیگر، درصدد احیاء نیروهای مولد پایدار جامعه مانند کشاورزی و تجارت برمی‌آمدند، بهره و نصیب بیشتری می‌بردند. حمله نادر به هند از ابتدا اشتباه فاحشی بود که نباید اتفاق می‌افتاد، چراکه هیچ توجیه منطقی سیاسی، نظامی، اقتصادی و... نداشت، بنابراین نادر از بابت حمله به هند باید تخطئه گردد، نه ذخیره غنائم. از طرفی همان‌گونه که اوتر، از معاصران، به‌درستی خاطرنشان کرده است نادر چنان در هند گرفتار بود که نتوانست به مسئله بازرگانی بپردازد (همان: ۲۰۵). از طرفی لشکرکشی‌های بی‌وقفه و مکرر نادر به شرق و غرب تا حد زیادی او را وابسته به واردات از ممالک هم‌جوار کرد چراکه این‌همه لشکرکشی امکانات خاص خود را می‌طلبید. مثلاً یکی از نیازمندی‌های مهم نادر تهیه اسب و سایر چهارپایان بارکش بود که مجبورگردید از قلمرو عثمانی و اعراب تهیه و تدارک ببیند (اوتر: ۲۶۷).

۹. حمله به هند: غلبه برق‌آسا و کسب غنائم در تضاد با نبرد لزگیان و عثمانیان (بن‌بست نظامی)

لشکرکشی نادر به هند، نتیجه مهم دیگری از خود به‌جای نهاد و آن تحت تأثیر گذاشتن فعالیت‌های نظامی بعدی نادر در یک نظام مقایسه‌ای بود. پس از حمله به هند، دیگر فعالیت نظامی نادر چنگی به دل نمی‌زد و به درگیرهای فرسایشی بی‌غالب و مغلوب تبدیل گردید. گویی پس از غلبه بر هند، نادر طلسم نظامی شد و فتوحات پیروزمندانه و صعودی او سیر نزولی گرفت. این نیز از نظر روحی و نظامی نوعی بن‌بست بود. نادر آدم عجول و بی‌برنامه‌ای بود، به‌خصوص پس از حمله به هند، گویی کنترل خود را از دست داده بود. فعالیت نظامی نادر در شمال غرب تا حدی متوقف گردید (آوری: ۶۲). در داغستان با عدم موفقیت مواجه شد (پتروشفسکی: ۲۸۷). مهم این‌که نبرد با عثمانی به یک کلاف سردرگم، فرسایشی و تا حدی بی‌هدف تبدیل شد (مالکوم: ۲۶۲). هنوی نیز معتقد است نادر پس از بازگشت از هند، نتوانست به‌سان قبل از آن در برابر عثمانی‌ها توفیقی حاصل کند (هنوی: ۲۸۷ به بعد). از طرفی غلامحسین مقتدر، معتقد است او هجده ماه بیهوده در داغستان گذرانید (مقتدر، ۱۳۸۴: ۱۱۰). نبرد با عثمانی نیز بی‌نتیجه از آب درآمد (همان: ۱۲۸، ۱۴۱). اینجا فضای حمله به هند نقش روحی و روانی مخربی را ایفا کرد. بر همین اساس است که عده‌ای اختلال مشاعر نادر را ناشی از ناکامی او در غلبه بر لزگیان دانسته‌اند (آوری: ۷۳) که طبیعتاً در مقایسه با هند می‌تواند معنای خاصی داشته باشد. آگاهانی مانند کالوشکین، اوتر و ... در حین مقایسه این نبردها با هند، با دیده تردید به هندیان و توان نظامی و آمادگی جنگی آن‌ها نگریسته‌اند (نک: صفحات پیشین مقاله).

نتیجه‌گیری

نادر در بهترین فرصت و موقعیت حاکمیت خود با حمله به هند، آن را تبدیل به بدترین فرصت و جدی‌ترین آسیب و چالش کرد که حکم نوعی خودزنی را داشت. ظاهراً حمله به هند از نظر نظامی با سرعت به نفع نادر به پایان آمد و غنائم زیادی نیز از این رهگذر نصیب او گرداند، اما غیبت دوساله او و سپس ادامه لشکرکشی به ماوراءالنهر باعث شد تا عقبه نادر دچار نابسامانی فراوانی شود. نادر با غرور و نخوت بازگشت، درحالی‌که جامعه از او توقع

خاصی داشت تا با اتکاء بر آن غنائم تا حدی دست از فشار مالیاتی بردارد؛ اما نادر مغرورتر، متوقع و حریص‌تر بازگشت و به‌سان گذشته نه‌تنها به مملکت‌داری و آرامش جامعه توجهی نکرد، بلکه با شدت بیشتری به نبردهای منطقه‌ای و داخلی ادامه داد که تعدادی از آنها به‌خاطر غیبت نابه‌نگام و طولانی او در هند، مجال ظهور یافته بود. هزینه سرسام‌آور جنگی، فشار مالیاتی، اختلاف شدید خانودگی و ازهم‌گسیختگی سپاه یکی پس از دیگری در نتیجه لشکرکشی به هند به وقوع پیوست. نبردهای بعدی او نیز نتیجه چشمگیری نداشت. بازتاب حمله نادر به هند، برای تداوم حاکمیتش سخت زیانمند شد و ارکان حاکمیت و سپاهیان او سخت آسیب دید، انسجام خانوادگی او دچار تزلزل شد و ناخرسندی جامعه نیز فرونی گرفت. این شرایط در مجموع به فروپاشی حاکمیت نادر انجامید که بخش بزرگی از آن در پی لشکرکشی نادر به هند به وجود آمد.

منابع

کتاب‌ها

- 0 استرآبادی، میرزامهدی (۱۳۶۶)، *دره نادری*، به اهتمام سید جعفر شهیدی، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- 0 استرآبادی، میرزامهدی (۱۳۷۷)، *جهانگشای نادری*، به اهتمام سید عبدالله انوار، تهران، انجمن مفاخر فرهنگی.
- 0 اوتر، ژان (۱۳۶۳)، *سفرنامه ژان اوتر*، ترجمه دکتر علی اقبالی، تهران، چاپخانه محمدحسن علمی.
- 0 آرونوا، م؛ اشرافیان، ز. (۱۳۵۶)، *دولت نادر شاه افشار*، ترجمه حمید امین، تهران، انتشارات شبگیر.
- 0 آوری، پیتر (۱۳۸۷)، *تاریخ افشار، زند و قاجار*، ترجمه ثاقب فر، تهران، انتشارات جامی.
- 0 پطروشفسکی (۱۳۸۱)، «نادر شاه»، *ایران در زمان نادر شاه*، مینورسکی، پطروشفسکی، لکه‌هارت و دیگران، ترجمه رشید یاسمی، گردآوری و ویراستاری علی‌اصغر عبدالهی، تهران، دنیای کتاب.
- 0 حزین لاهیجی، محمدعلی (۱۳۷۷)، *رسائل حزین لاهیجی*، به کوشش علی اوجبی و دیگران، تهران، نشر میراث مکتوب.
- 0 سایکس، سر پرسی (۱۳۷۰)، *تاریخ ایران*، ترجمه سیدمحمدتقی فخر داعی، جلد دوم، تهران، دنیای کتاب.
- 0 شعبانی، رضا (۱۳۷۳)، *تاریخ اجتماعی ایران در عصر افشار*، ج ۱، تهران، نشر قومس.
- 0 عبدالکریم کشمیری (۱۹۵۰)، *بیان واقع (سرگذشت احوال نادر شاه)*، تصحیح و تحقیق داکری - بی - نسیم، لاهور، اداره تحقیقات پاکستان، دانشگاه پنجاب.
- 0 فریزر، جیمز (۱۳۸۱)، «نادر شاه» *ایران در زمان نادر شاه*، مینورسکی، پطروشفسکی، لکه‌هارت و دیگران، ترجمه رشید یاسمی، گردآوری و ویراستاری علی‌اصغر عبدالهی، تهران، دنیای کتاب.

- 0 فسایی، حاج میرزا حسن (۱۳۸۲)، *فارسانامه ناصری*، به اهتمام دکتر منصور رستگار فسایی، تهران، امیرکبیر.
- 0 فلور، ویلیام (۱۳۶۸)، *حکومت نادر شاه افشار*، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران، انتشارات توس.
- 0 گلستانه، ابوالحسن (۱۳۵۶)، *مجمعل‌التواریخ بعد نادریه*، به سعی و اهتمام مدرس رضوی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- 0 لکه‌پارت، لارنس (۱۳۸۱)، «*نادر شاه*»، *ایران در زمان نادر شاه*، مینورسکی، پتروشفسکی، لکه‌پارت و دیگران، ترجمه رشید یاسمی، گردآوری و ویراستاری علی‌اصغر عبدالهی، تهران، دنیای کتاب.
- 0 مالکوم، سر جان (بی‌تا)، *تاریخ ایران*، ترجمه میرزا اسمعیل حیرت، به کوشش مرتضی سیفی فمی تفرشی، تهران، انتشارات یساولی، فرهنگسرا.
- 0 محمد هاشم آصف (۱۳۸۰)، *رستم‌التواریخ*، به اهتمام عزیزالله علیزاده، تهران، انتشارات فردوس.
- 0 مروی، محمدکاظم (۱۳۶۴)، *عالم‌ارای نادری*، به تصحیح و مقدمه محمدامین ریاحی، تهران، کتاب‌فروشی زوار.
- 0 مقتدر، غلامحسین (سرلشکر) (۱۳۸۴)، *نبردهای بزرگ نادر*، تهران، دنیای کتاب.
- 0 وارد، محمدشفیع طهرانی (۱۳۶۹)، *تاریخ نادرشاهی*، به اهتمام رضا شعبانی، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- 0 هدایت، رضاقلی خان (۱۳۷۳)، *فهرس‌التواریخ*، به تصحیح و تحشیه نوایی و محدث، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- 0 هدایت، رضاقلی خان. (۱۳۸۵)، *روضه‌الصفای ناصری*، به تصحیح و تحشیه جمشیدکیانفر، تهران، انتشارات اساطیر.
- 0 هنوی، جونس (۱۳۷۷)، *زندگی نادرشاه*، ترجمه اسماعیل دولتشاهی، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

مقاله‌ها

- 0 الاسلام، ریاض؛ طرفداری، علی محمد، «نادرشاه درسند»، *بررسی‌های نوین تاریخی*، شماره ۴ و ۵، پاییز و زمستان ۱۳۸۷.
- 0 پتروف، پی.ی، «نادرشاه درهند»، ترجمه رضا شعبانی، *کیهان فرهنگی*، شماره ۲۳۳، اسفندماه، ۱۳۸۴.
- 0 سالاری شادی، علی، «محمدکاظم مروی و عالم‌آرای نادری»، *کتاب ماه، تاریخ و جغرافیا*، آذر و دی‌ماه ۱۳۸۳.
- 0 نفیسی، سعید، «کاروان ثروت»، *مجله تسرق*، شماره اول، بهار ۱۳۰۳.

منابع لاتین

- 0 Axworthy, Michael(2006), *The Sword of Persia: Nader Shah From Tribal Warrior to Conquering Tyrant*, London, I.B.Tauris & Co Ltd.
- 0 Axworthy, Michael(2007), *The Army of Nader Shah*, Iranian Studies, volume 40, number 5, December.
- 0 *India*, Iranian Studies, volume 31, number 2, Spring.
- 0 Tucker, Ernest s(2003), *Nadir Shah's Quest for Legitimacy in Post Safavid Iran*, Florida, Florida A&M University.
- 0 Tucker, Ernest(1998), *History, Self, and Other in Afsharid Iran and Mughal*